

En



بخط ابوالحسن مظفری

نگارش آسان

دُعَاءِ عَدِيلِهِ

دعاء عَدِيلَه

دعاء العديلة

Dua Adeelah

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the Name of Allah, the All-compassionate, the All-merciful.



شَهِدَ اللهُ

خدا گواهی می دهد
 "Allah bears witness"

أَنَّه وَلا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ

که هیچ خدایی جز ذات یکتای او نیست
 that there is no god but He,



وَالْمَلَائِكَةُ

و همچنان فرشتگان
and (so do) the angels and those

وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ

و صاحبان علم که برپا است به عدالت *
possessed of knowledge, maintaining His creation with justice;



لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

که خدایی جز آن یگانه ذات با اقتدار و حکمت نیست
 * there is no god but He, the Mighty, the Wise.

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ

همانا دین نزد خدا، اسلام است *

Surely, the (true) religion with Allah is Islam.”



وَإِنَّا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ

و من بندهٔ ضعیف گنهگار

I am the slave—feeble, sinful,

الْعَاصِي الْمُحْتَاجُ الْحَقِيرُ

عاصی محتاج حقیر و پست *

disobedient, needy, and ignoble—



۷
أَشْهَدُ لِمُنْعِمِي وَخَالِقِي

گواهی می‌دهم بر یگانگی خدا که منعم و خالق

I testify to my Benefactor, Creator,

وَرَازِقِي وَ مُكْرِمِي

و رازق من است و مرا اکرام می‌کند *

Provider of me with my sustenance, and my Honorer,



كَمَا شَهِدَ لِنَفْسِهِ

چنانچه خدا خود بر یگانگی خویش، گواهی داد
as same as He has testified to Himself

وَشَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ

و فرشتگان نیز گواهی دادند
and the angels have testified to Him



وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهِ

و بندگان دانا گواهی دادند *

so have those possessed with knowledge amongst His servants

بِأَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

بر اینکه خدایی جز آن ذات یکتا نیست *

that there is no god save Him



ذُو النِّعَمِ وَ الإِحْسَانِ

که خداوند نعمت و احسان
the Lord of bounties, favors,

وَ الْكُرَمِ وَ الإِمْتِنَانِ

و کرم و بخشش است
generosity, and kindness.



قَادِرٌ اَزَلِيٌّ * عَلِيمٌ اَبَدِيٌّ *

قدرتش ازلی * و علمش ابدی است *

He is Omnipotent, Eternal, All-knowing, Everlasting,

حَيٌّ اَحَدِيٌّ * مَوْجُودٌ سَرْمَدِيٌّ *

زندهٔ متفرد * و موجود سرمدی است *

Ever-living, One and Only, Self-existent, Endless,



سَمِيعٌ بَصِيرٌ * مُرِيدٌ كَارِهٌ *

شنوا و بینا * و با اراده و کراهت *

All-hearing, All-Seeing, Willing, Discriminating,

مُدْرِكٌ صَمَدِيٌّ *

علم و ادراک به همهٔ امور عالم است غنی بالذات است *

All-aware, and eternally Besought of all.



يَسْتَحِقُّ هَذِهِ الصِّفَاتِ * وَهُوَ

و ذات فرد بسیطش به ذاته (بدون تغییر) * و در عین بی نیازی از صفات
He is worthy of all these attributes,

عَلَىٰ مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي عِزِّ صِفَاتِهِ *

زائد بر ذات، مستوجب این صفات کمالیه است *
and He, characterized by all these sublime attributes,



كَانَ قَوِيًّا

آن ذات ازلی توانا
was All-powerful

قَبْلَ وُجُودِ الْقُدْرَةِ وَالْقُوَّةِ

و قادر است پیش از معنی قدرت *
prior to the existence of might and power,



وَكَانَ عَلِيمًا

و عالم است
and All-knowing

قَبْلَ إِيجَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلَّةِ

پیش از وجود علم و اسباب دانایی *
before the origination of knowledge and reason.



لَمْ يَزَلْ سُلْطَانًا

همیشه پادشاه وجود است

He has been always Authority

إِذْ لَا مَمْلَكَةَ وَلَا مَالَ



پیش از آنکه ملک و مالی باشد *

when there was neither sovereignty nor wealth.



وَلَمْ يَزَلْ سُبْحَانًا

و همیشه ذات پاکش در همه احوال
He has been always Glorious

عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَحْوَالِ

منزه و مستغنی از غیر است *
under all circumstances.



وَجُودُهُ قَبْلَ الْقَبْلِ

وجودش قبل از هر قبلی

His Being is before all precedence

فِي آزَلِ الْأَزَالِ

در ازل آزال بوده *

in the pre-eternity of sempiternity.



وَبَقَاؤُهُ وَبَعْدَ الْبُعْدِ

و بعد از هر بعدی

His Remaining will be after all endings

مِنْ غَيْرِ انْتِقَالٍ وَلَا زَوَالٍ ❁

بدون تغییر حال تا ابد باقی خواهد بود *

without any extinction or disappearance.



غَنِيٌّ فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ

و ذاتش در آغاز و انجام آفرینش، بی نیاز از خلق است
He is self-Sufficient at the beginning and at the end

مُسْتَعْنٍ فِي الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ

و در ظاهر و باطن مستغنی از عالم است
and All-independent inwardly and outwardly.



لَا جَوْرَ فِي قَضِيَّتِهِ

در حکم او هیچ ظلم و جورى نیست
 There is no injustice in His judgment,

وَلَا مَيْلَ فِي مَشِيَّتِهِ

و در مشیتش میل خصوصى نخواهد بود
 nor is there unfairness in His management,



وَلَا ظُلْمَ فِي تَقْدِيرِهِ

و در حق هیچکس ستم نکرده *

nor is there unfairness in His administration,

وَلَا مَهْرَبَ مِنْ حُكُومَتِهِ

و از حکم و فرمانش نتوان به جایی گریخت *

nor is there any escape from His sovereignty,



وَلَا مَلْجَأَ مِنْ سَطْوَاتِهِ ❁

و پناهی نتوان یافت از قهرش *
nor is there any shelter against His firm grip,

وَلَا مَنجَا مِنْ نَقِمَاتِهِ ❁

و از غضب و انتقامش محل نجاتی نیست *
nor is there any salvation from His punishment.



سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ وَغَضَبُهُ ❁

رحمت او بر غضبش سبقت گیرد *

His mercy overtakes His Wrath.

وَلَا يَفُوتُهُ أَحَدٌ إِذَا طَلَبَهُ ❁

و هر که طالب رحمت او باشد، محروم نخواهد شد *

None can escape Him when He summons.



أَزَاحَ الْعِلَلَ

برطرف کرد موانع را
He covers all logics

فِي التَّكْلِيفِ

آنگاه بندگان را مکلف بطاعت خود فرمود
for His obligatory decrees,



وَسَوَى التَّوْفِيقَ

و موفقیت بر طاعت را
treats absolutely equally

بَيْنَ الضَّعِيفِ وَالشَّرِيفِ

در ضعیف و قوی یکسان قرار داد *
the weak and the noble,



مَكِّنْ أَدَاءَ الْمَأْمُورِ

و همه را بر اطاعت امرش متمکن گردانید *
makes capable to carry out His commands,

وَسَهِّلْ سَبِيلَ اجْتِنَابِ الْمَحْظُورِ

و راه ترک گناه و دوری از عصیان را آسان کرد *
and makes easy to abstain from His prohibitions.



لَمْ يُكَلِّفِ الطَّاعَةَ

و بار تکلیف طاعتش را بر کسی ننهاد
He does not make obedience a burden

إِلَّا دُونَ الْوُسْعِ وَالطَّاقَةِ

مگر کمتر از قدر وسع و طاقت *
but according to one's real capacity.



سُبْحَانَهُ وَ مَا أَيْبِنَ كَرَمَهُ وَ

منزه است خدا، چقدر کرمش بر خلق آشکار است
 All glory be to Him! How manifest His generosity is!

وَ أَعْلَى شَانَهُ وَ

و مرتبه‌اش بلند است
 How sublime His standing is!



سُبْحَانَهُ ۖ مَا أَجَلَ نَيْلِهِ ۖ

منزه است خدا، چقدر عطایش بیشتر *

All glory be to Him! How magnificent to seek Him is!

وَأَعْظَمَ إِحْسَانَهُ ۖ

و احسانش بزرگتر است *

How splendid His favors are!



بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ

فرستاد پیامبران را

He has sent the Prophets

لِيُبَيِّنَ عَدْلَهُ

برای آنکه عدلش را آشکار سازد *

in order to show His justice,



وَنْصَبِ الْأَوْصِيَاءِ

و جانشینان پیامبران را برای آن معین کرد
and appointed successors [for the Prophets]

لِيُظْهِرَ طَوْلَهُ وَ فَضْلَهُ

که فضل و احسانش را پدید گرداند *
in order to make known His munificence and grace.



وَجَعَلَنَا مِنْ أُمَّةٍ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ

* و ما را از امت سيد انبياء «ص»

He has made us of the community of the Chief of Prophets,

وَ خَيْرِ الْأَوْلِيَاءِ

* و بهترين اوصياء

the most favorable of His saints,



وَأَفْضَلِ الْأَصْفِيَاءِ

* و افضل خاصان خود
the best of His elite ones,

وَأَعْلَى الْأَزْكِيَاءِ

* و بلند مرتبه ترین پاکان عالم
and the most sublime of the pure ones;



مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

حضرت محمد صلی اللہ علیہ و آلہ
that is Muhammad, may Allah send blessings

وَأَعَالِهِ وَسَلَّمَ ❁

و سلم قرار داد ❁
and benedictions upon him and his Household.



ءَامِنًا بِهِ وَبِمَا دَعَانَا إِلَيْهِ ❁

ما هم (بحمد الله) به او ایمان آوردیم و به هر چه ما را به آن دعوت کرد
 We thus believe in him, in all that to which he has called us,

وَبِالْقُرْءَانِ الَّذِي أَنْزَلَهُ وَعَلَيْهِ ❁

گرویدیم * و به قرآن که بر او نازل کرد *
 in the Qur'an which He revealed to him,



وَبِوَصِيهِ الَّذِي

و به وصی او

and in his Successor whom

نَصَبَهُ وَ يَوْمَ الْغَدِيرِ

* که روز غدیرش به خلافت منصوب کرد

he appointed on the Ghadir Day



وَإِشَارَ بِقَوْلِهِ هَذَا عَلَىٰ إِلِيهِ

و در سخنش اشاره به او فرمود که این است علی «ع» جانشین من
and to whom he referred by saying, "This is `Ali."

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ الْأَبْرَارَ

و گواهی می‌دهم که امامان نیکوکار
I also bear witness that the Imams—the pious



وَالْمُخْلِفَاءَ الْأَخْيَارِ

و جانشینان برگزیده
and benign vicegerents [of Allah]

بَعْدَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ

بعد از رسول مختار، اول علی «ع» است *

after the Chosen Prophet are:



عَلِيٌّ قَامِعُ الْكُفَّارِ * وَ مِنْ بَعْدِهِ

که کشندهٔ مشرکین و کفار بود * و بعد از علی «ع»
 `Ali, the subduer of the infidels. Following him

سَيِّدُ أَوْلَادِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ *

بزرگتر فرزندش حضرت حسن «ع» *
 is the chief of his sons, al-Hasan, the son of `Ali.



ثُمَّ أَخُوهُ السَّبِطُ التَّابِعُ

پس از او برادرش سبط پیغمبر

Then comes his brother, the grandson

لِمَرْضَاتِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ

تابع رضای خدا، حضرت حسین «ع» *

and seeker of Allah's pleasure; al-Husayn.



ثُمَّ الْعَابِدُ عَلِيٌّ

پس از او فرزندش علی بن الحسین زین العابدین «ع» *
 Then comes `Ali, the [distinctive] worshipper [of Allah].

ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدٌ

و بعد از او فرزندش باقرالعلوم محمد «ع» *
 Then comes the Cleaver (of knowledge), Muhammad.



ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ

و بعد فرزندش امام جعفر صادق (ع) *

Then comes the veracious Ja`far.

ثُمَّ الْكَاسِمُ مُوسَى

و بعد فرزندش امام موسی کاظم (ع) *

Then comes the suppressor of rage, Musa.



ثُمَّ الرِّضَا عَلِيٌّ

و بعد فرزندش امام علی الرضا «ع» *
Then comes the pleased, `Ali.

ثُمَّ التَّقِي مُحَمَّدٌ

و بعد فرزندش امام محمد تقی «ع» *
Then comes the pious, Muhammad.



ثُمَّ النَّقِيُّ عَلِيٌّ

و بعد فرزندش امام علی النقی «ع» *
Then comes the refined, `Ali.

ثُمَّ الزَّكِيُّ [الْعَسْكَرِيُّ] الْحَسَنُ

و بعد فرزندش امام حسن عسکری «ع» پاکیزه صفات *
Then comes the pure resident of `Askar, al-Hasan.



ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلْفُ الْقَائِمُ

و بعد از او فرزندش، حجت الهی جانشین

Then comes the Argument, Successor, Assumer,

الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ

قائم منتظر حضرت مهدی «ع» *

Awaited, Well-guided, and Expected



الْمُرْجَى الَّذِي بِيَقَائِهِ

که چشم امید عالم به اوست
on account of whose existence,

بِقِيَّتِ الدُّنْيَا

و دنیا به بقای او باقی است *
this world is kept in existence,



وَبِیْمَنِهِ رُزِقَ الْوَرَىٰ * وَبِوَجُودِهِ

و به برکتش به خلق روزی می رسد * زمین و آسمان

on account of whose blessing, the created beings are provided sustenance,

ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ *

به وجودش برقرار است *

and on account of whose existence, the earth and the sky are kept in firmness.

وَبِهِ يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ

و به واسطه او خدا

Through him, Allah shall fill the earth

قِسْطًا وَعَدْلًا

* زمین را پر از عدل و داد کند

with equity and justice



بَعْدَ مَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا

پس از آنکه پر از ظلم و جور و بیداد گشته باشد *
after it will be filled with inequity and injustice.

وَأَشْهَدُ أَنْ أَقْوَالَهُمْ حُجَّةٌ

و گواهی می دهم که گفتارشان بر ما حجت *

I also bear witness that their words are decisive arguments,



وَأَمِثْلَهُمْ فَرِيضَةٌ

و امتثال امرشان واجب است *
to comply with their orders is obligatory,

وَطَاعَتَهُمْ مَفْرُوضَةٌ

و اطاعتشان فرض است *
the obedience to them is commissioned [by Allah],



وَمَوَدَّتْهُمْ لَأَزِمَةٌ مَّقْضِيَةٌ

و محبتشان به حکم ازلی حق لازم است *
to love them is necessary and pre-ordained,

وَالْإِقْتِدَاءُ بِهِمْ مُنْجِيَةٌ

و پیروی آنها موجب نجات *
and to pattern after them will definitely achieve salvation,



وَمُخَالَفَتُهُمْ مَرَدِيَةٌ

و مخالفتشان سبب هلاک است * و آنها

but to oppose them will definitely bring about destruction.

وَهُمْ سَادَاتُ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ

به حقیقت بزرگان تمام بهشتیان *

They are, moreover, the chiefs of all the inhabitants of Paradise, 

وَشُفَعَاءُ يَوْمِ الدِّينِ

و شفيعان روز جزا *

the interceders on the Judgment Day,

وَأَئِمَّةُ أَهْلِ الْأَرْضِ عَلَى الْيَقِينِ

و پیشوایان اهل زمین به طور یقین *

and, undoubtedly, the leaders of the inhabitants of the earth,



وَأَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ

و بهترین جانشینان مرضی خدا هستند *
and the best of the satisfied Successors [of the Prophets].

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ

و باز گواهی می‌دهم که مرگ حق است *
I also bear witness that death is certain,



وَمُسَائِلَةَ الْقَبْرِ حَقٌّ

و سؤال فرشتگان در قبر، حق است *

the interrogation by Munkar and Nakir in the grave is certain,

وَالْبُعْثَ حَقٌّ

و برانگیخته شدن مردگان، حق است *

the raising of the dead is certain,



وَالنُّشُورَ حَقٌّ

و روز حشر و نشر، حق است *
the final assemblage is certain,

وَالصِّرَاطَ حَقٌّ * وَالْمِيزَانَ حَقٌّ

و پل صراط در قیامت، حق است * و سنجش اعمال، حق است *
the Discriminating Bridge is certain, the Scales [of deeds] is certain,

وَالْحِسَابَ حَقٌّ

* و حساب خلق، حق است
the calling into account is certain,

وَالْكِتَابَ حَقٌّ

* و کتاب و نامه عمل، حق است
the record book [of deeds] is certain,



وَالْجَنَّةُ حَقٌّ



* و بهشت، حق است
Paradise is certain,

وَالنَّارُ حَقٌّ



* و دوزخ، حق است
Hellfire is certain,



وَأَنَّ السَّاعَةَ

و ساعت قیامت

the Hour [of resurrection]

ءَاتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا

بی هیچ شک خواهد آمد *

will certainly come, without any dispute,



وَأَنَّ اللَّهَ

و خدا البته
and Allah

يُحْيِي مَن فِي الْقُبُورِ

* مردگان را از قبرها برانگیزد
shall raise up those who are in graves.



اللَّهُمَّ فَضْلُكَ رَجَائِي

* بار الها فضل و کرم تو مایه امید من است
O Allah, in Your favor do I put my hope,

وَكَرَمِكَ وَرَحْمَتِكَ أَمَلِي

* و لطف و رحمتت آرزوی من
Your generosity and mercy do I expect confidently,



لَا عَمَلَ لِي

عملی که

I have no single deed

أَسْتَحِقُّ بِهِ الْجَنَّةَ

به آن مستحق بهشت شوم نکردم *

by which I deserve Paradise,



وَلَا طَاعَةَ لِي

و طاعتی که

nor do I have any act of obedience

أَسْتَوْجِبُ بِهَا الرِّضْوَانَ

موجب رضای تو شود به جا نیاوردم *

[to You] due to which I deserve Your pleasure;



إِلَّا أَنِّي أَعْتَقَدُ

جز آنکه معتقد
except that I believe

تَوْحِيدِكَ وَعَدْلِكَ

به توحید و عدل توام *
in Your Oneness and Your Justice



وَأَرْتَجِيْتُ

و چشم امیدم
and I hope

إِحْسَانِكَ وَفَضْلِكَ

به فضل و احسان توست *
for Your benevolence and Your favor.



وَتَشَفَعْتُ إِلَيْكَ

و به درگاہت پیغمبر

I thus seek the Prophet and his Household,

بِالنَّبِيِّ وَآلِهِ مِنْ أَحَبِّتِكَ

و آل او را که دوستدار تواند شفیع آورده‌ام *

Your most-beloved ones, to intercede for me before You;



وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ

و تو خود کریمترین کریمان *

and You are verily the most Generous of all those who treat generously

وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

و مهربانترین مهربانان عالمی *

and the most Merciful of all those who show mercy.



وَصَلَّىٰ اللّٰهُ عَلٰى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

و درود خدا بر پیغمبر ما محمد «ص»

May Allah send blessings to Our Prophet, Muhammad

وَعَالِهِ أَجْمَعِينَ

و آل او *

and upon all of his Household,



الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

که همه پاکان و پاکان عالمند
the pure and immaculate,

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا كَثِيرًا

و تحیت بسیار بسیار بر آنان باد
and send upon them many many benedictions.



وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

و هیچ قدرت و توانایی کسی را
There is no might and no power

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

جز به خدای بلند مرتبه بزرگ نخواهد بود *
except with Allah, the All-high, the All-great.



اللَّهُمَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

* پروردگارا ای مهربانترین مهربانان عالم

O Allah! O most Merciful of all those who show mercy,

إِنِّي أَوْدَعْتُكَ يَقِينِي هَذَا

* من ایمان و این یقین خود را (که در این دعا اظهار نمودم)

I am depositing with You this faith of mine



وَثَبَاتٍ دِينِي

و ثبات در دین و ایمانم را به تو امانت می سپارم
and my firmness on this belief;

وَأَنْتَ خَيْرُ مَسْتَوْدِعٍ

و تو بهترین امانتداری
and You are the ever-best of all those who keep deposits.



وَقَدْ أَمَرْتَنَا بِحِفْظِ الْوَدَائِعِ

و البته تو مرا امر به حفظ امانت کردی *

You have commanded us to keep safe deposits that are put with us;

فَرُدَّهُ و عَلَيَّ وَقْتُ حُضُورِ مَوْتِي

پس این امانت را تو در وقت حضور مرگ به من باز گردان *

so, (please) keep for me this deposit to give it back to me at the time of my death

بِرَحْمَتِكَ

به حق رحمت

[I beseech You] in the name of Your mercy;

 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای مهربانترین مهربانان عالم. *

O most Merciful of all those who show mercy.



اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعُدْيَلَةِ

ای خدا من پناه به تو می برم از برگشتن

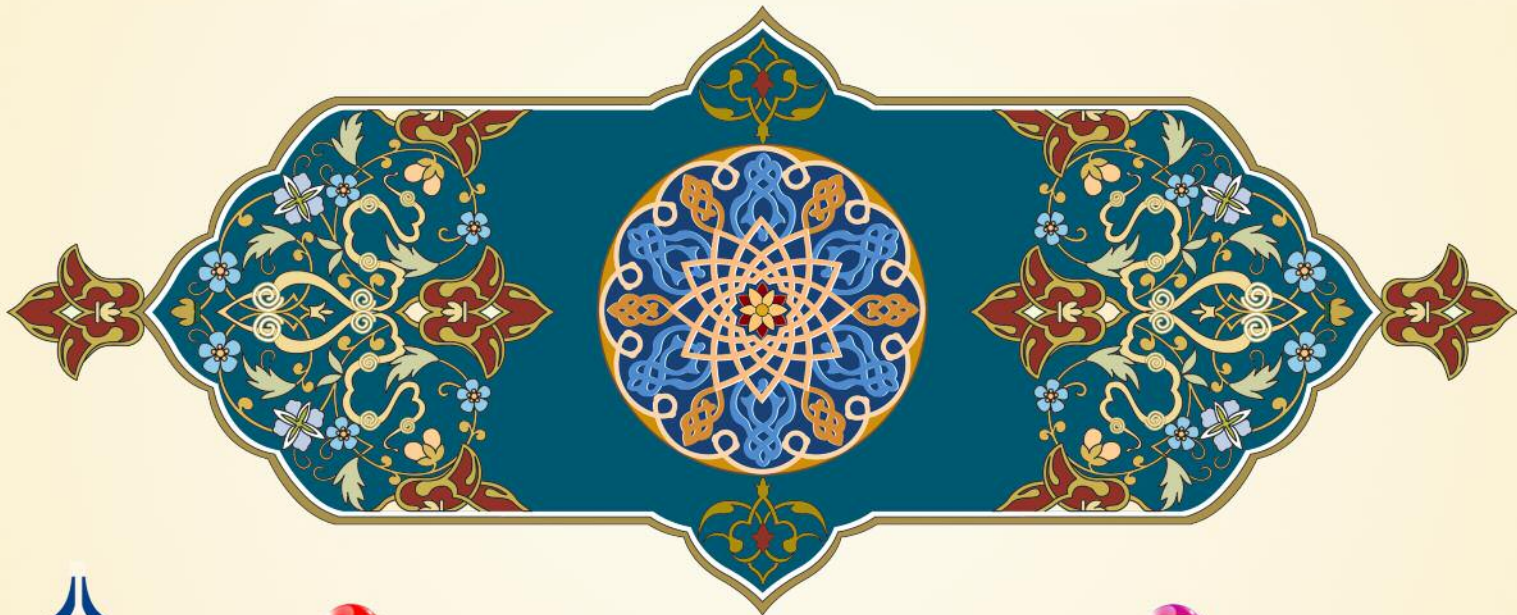
O Allah, I seek Your protection against deviation

عِنْدَ الْمَوْتِ .

در وقت مرگ *

at the hour of death.





Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



www.negareh-asan.ir

نگارش
آسان